



<https://ui.ac.ir/en>

Journal of Literary Arts

E-ISSN: 2322-3448

Document Type: Research Paper

Vol. 13, Issue 1, No.34, Spring 2021, pp. 25-42

Received:23/06/2020 Accepted:08/11/2020

A Passage into Ayn al-Quzat Hamdani's Translations in *Tamhidat*

Azizollah Dabaghi Varnosfadrani*

*Corresponding author: Associate Professor of English Language Teaching and Learning, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
dabaghi@fgn.ui.ac.ir

Samaneh Farhadi

Ph. D. Student of Translation Studies, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
Samaneh.farhadi@fgn.ui.ac.ir

Abstract

In recent years, by the efforts of scholars such as Maria Tymoczko, translation studies have started reacting to Euro-centrism and exclusiveness. The movement stresses the necessity for the internationalization of translation theory and the importance of paying attention to translation traditions. The authors of the present article do believe that if we, too, as the Iranian, are going to play a decent role in the expansion of the translation theory and development of translation studies, then we should first achieve a comprehensive knowledge of translation traditions all through the Iranian cultural history. In line with the necessity for such research, we have tried to show which strategies are applied by Ayn al-Quzat Hamadani in his book, *Tamhidat*. In so doing, the article based on the theoretical framework of 'micro-history' is to provide appropriate answers to three essential questions:

- 1) What translation strategies have been deployed by Ayn al-Quzat Hamadani, and is it possible to compare such strategies' results with recent achievements of translation studies as a modern discipline?
- 2) Is Ayn al-Quzat's translation approach in conformity with the dominant translation norms of the time?
- 3) How can we define Ayn al-Quzat's cultural and social agency as a translator?

The present study is qualitative and based on the analytical framework of micro-history (Adamo, 2006). It aims at understanding Ayn al-Quzat Hamadani's responses to the cases of linguistic hybridity to know various aspects of his translation. For that purpose, all Arabic expressions, Quranic verses, Hadiths, sentences, and poems in the text have been studied.

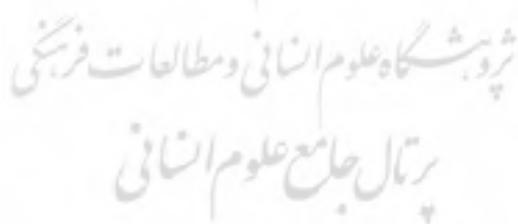
Tamhidat, the mystical and prose work by Ayn al-Quzat Hamadani, is based on 'pragmatic' meaning. To achieve the pragmatism of Arabic sentences, Ayn al-Quzat Hamadani resorts to 'interpretation' in *Tamhidat*, and since interpretation passes inevitably through translation, he engages himself alternately in practicing translation. After reviewing the literature of the subject matter, the method of study has been introduced. After that, the researchers move on to present a typology of translation in *Tamhidat*.

In continuation, they analyze samples of those translation types to discuss various aspects of Ayn al-Quzat Hamadani's translation acts. The findings indicate that Ayn al-Quzat Hamadani has not had the same reaction to the Arabic-Persian hybridity, so his response has varied according to the text-type by Katharina Reiss. In general, a combination of authorship and translation, approximation of authorship and translation standards in his prose, and the consideration of text type in adopting preliminary and operational norms of translation are among Ayn al-Quzat Hamadani's translation acts in his way towards the implicit meaning as well as the functional equivalence.

Keywords: Ayn al-Quzat Hamadani, *Tamhidat*, Translation, Micro History.

References

- Azarang, A. (2015). *The history of Translation in Iran: From Antiquity to the end of the Qajar period*. Tehran: Ghoghnoos.
- Azartash, A. (1996). *Translation History from the Arabic Language to Persian: From Beginning to Safavid Dynasty*. Tehran: Soroush.
- Adamo, S. (2006). Microhistory of translation, in Bastin & Bandia (eds.) (2006). *Charting the Future of Translation History*, 81-100, Ottawa: University of Ottawa Press.
- Bassnett, S. (1980/1991). *Translation Studies*. London: Routledge.
- D'huslt, L. (1993). Observations sur l'expression figure en traductologie française, *TTR*, 6(1): 83-111.
- Ginzburg, C. (1976). *Il Formaggio e i Verm, il Cosmo di un Mugnaio del Cinquecento*. Torino: Einaudi.
- Hamedani, A. (1123 CE/1963). *Tamhidat*, Afif Osairan (emend.). Tehran: Manouchehri.
- Hatim, B. & Munday, J. (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*, Oxon & New York: Routledge.
- House, J. (2012). Translation Quality Assessment: Linguistic Description versus Social Evaluation, *Meta*, 46(2): 243-257.
- Kade, O. (1968), *Zufall und Gesetzmässigkeit in der Übersetzung*, Leipzig: VEB Verlag Enzyklopadie.
- Newmark, P. (1997). The customer asking, *Current Issues in Language and Society*, 4(1): 75-77.
- Nord, C. (1991). *Text Analysis in Translation*. Amsterdam: Rodopi.
- Reiß, K. (1971/2004). *Translation Criticism – The Potentials & Limitations*. Erroll F. Rhodes (trans.). New York: Routledge.
- Rorty, R. (1991). *Contingency, Irony, and Solidarity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shuttleworth, M. & Cowie, M. (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Oxon & New York: Routledge.
- St-Pierre, P. (1993). Présentation. L'Histoire en traduction, in Paul St-Pierre (ed.). *L'Histoire en traduction*, *TTR*, 6(1): 9-14.
- Toury, G. (1995). *Descriptive Translation Studies – and beyond*. Amsterdam: John Benjamins.



فنون ادبی

نوع مقاله: پژوهشی

سال سیزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۴) بهار ۱۴۰۰، ص ۲۵-۴۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۸

واکاوی ترجمه‌های عین‌القضات همدانی در تمهیدات

عزیزالله دباغی ورنوسفادرائی*، دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

dabaghi@fgn.ui.ac.ir

سمانه فرهادی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

samaneh.farhadi@fng.ui.ac.ir

چکیده

این پژوهش^۱ با الهام از چارچوب نظری «تاریخ‌نگاری خُرد» (آدامو، ۲۰۰۶) روش ترجمه عین‌القضات در تمهیدات را به بحث می‌گذارد. بدین منظور، پس از مرور پیشینه مطالعاتی و معرفی اجمالی مبانی نظری و روش‌شناختی تحقیق، با تحلیل نمونه‌هایی ابعاد مختلف کنش ترجمانی عین‌القضات بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های مقاله مبین آن است که عین‌القضات در مواجهه با التقاط زبانی عربی-فارسی به شیوه‌ای واحد و اکنش نشان نداده است؛ بلکه به تناسب «نوع متن» و اکنش ترجمانی و حدود عاملیت بینا فرهنگی وی متفاوت بوده است. به‌طور کلی «تلفیق ترجمه و تفسیر در تمهیدات»، «قربت معیارهای نگارش تألیفی و ترجمه‌ای»، «ملاحظه توأمان مخاطب خاص و عام»، «تلفیق (تقریباً همیشگی) مبدأمداری و مقصدگرایی» و «توجه به ویژگی‌های نوع متن در اتخاذ هنجارهای مقدماتی و عملیاتی ترجمه» از ویژگی‌های کردار ترجمانی وی در مسیر دستیابی به «تعادل منظورشناختی» بوده است.

کلید واژه‌ها: عین‌القضات همدانی، تمهیدات، ترجمه، تاریخ‌نگاری خُرد.

۱- مقدمه

اشراف بر سنت ترجمه معمول در ادوار تاریخی این مرز و بوم و استخراج هنجارهای معمول در آن از جمله راه‌هایی است که به‌مدد آن می‌توانیم در برابر انحصار و غرب‌محوری مسلط بر حوزه مطالعات ترجمه قد علم کنیم. در مسیر بازشناسی سنت ترجمه در ایران باید به بررسی ترجمه‌های موجود در گذشته پرداخت؛ اما نباید گمان برد که تنها از طریق منابعی که عنوان «ترجمه» بر آنهاست، بتوان آنچه را در گذر تاریخ بر ترجمه در ایران گذشته است بازشناخت؛ زیرا یافته‌های پژوهشی اخیر (از جمله فرهادی و خان‌جان، ۱۳۹۴) مبین آن بوده است که در موارد بسیار، داده‌های ترجمه در دل متون تألیفی فارسی جای گرفته و از نظر دور مانده‌اند. از این رو، برای استخراج سنت ترجمه ایرانی شناسایی آثاری که بتوان ردپایی از ترجمه در آنها

* مسؤل مکاتبات

Copyright © 2021, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

Doi: [10.22108/iar.2020.123652.1878](https://doi.org/10.22108/iar.2020.123652.1878)

۱. بخش‌هایی از این نوشته را یکی از نگارندگان نوشتار در سال ۱۳۹۶ در قالب سخنرانی در سومین همایش ملی رویکردهای میان‌رشته‌ای به آموزش زبان، ادبیات و مطالعات ترجمه در دانشگاه فردوسی مشهد ارائه داده است.

یافت، درخور اعتناست. ردیابی داده‌هایی از این دست، دستاوردهای مقبولی خواهد داشت و مواد و مصالح زبانی لازم را برای ترسیم سنت ترجمه در ایران در اختیار خواهد گذاشت.

تاریخ‌نگاری ترجمه - مبحث تازه‌ای که در دو دهه گذشته به حوزه مطالعات ترجمه راه یافته است - و در شکل علمی و نظام‌مند، پیشینه آن در ایران حتی به یک دهه نیز نمی‌رسد - خود را تنها به واقعه‌نگاری تاریخی یا گزارش‌های توصیفی ترجمه محدود نمی‌کند، بلکه با اتخاذ رویکردی نظری و روش‌شناختی درصدد تبیین، تحلیل و بررسی علت‌جویانه ترجمه‌های انجام‌شده در ادوار تاریخی مختلف برمی‌آید. این حوزه پژوهشی در ایران بسیار نوپاست تا آنجا که نخستین کتاب تاریخ عمومی ترجمه در ایران (آذرنگ، ۱۳۹۴) همین تازگی به چاپ رسیده است.^۱ کتاب یادشده نیز با آنکه در خلاء ملموس پژوهش‌های تاریخی ترجمه در ایران اثری مغتنم به شمار می‌آید، اما دامنه شمول آن عمدتاً واقعه‌نگاری تاریخی است و فرصت چندانی برای تحلیل‌های روش‌شناختی و ارزیابی‌های متنی مفصل با محوریت مسائل روز مطالعات ترجمه نداشته است. حال آنکه در باور صاحب نظرانی همچون پیم، یکی از اهداف نگارش تاریخ ترجمه «بازخوانی گذشته از منظر موضوعات محوری روز [در حوزه مطالعات ترجمه]» است (پیم، ۱۹۹۸ به نقل از آدامو، ۲۰۰۶: ۸۵). چنانچه بخواهیم تنها به ارائه روایتی کلان از تاریخ ترجمه در ایران اکتفا نکنیم، ناگزیر از انجام پژوهش‌های خرد در توصیف و تبیین عملکرد و شیوه کار مترجمان ادوار تاریخی این سرزمین خواهیم بود تا بتوانیم درک درستی از سیر تطور و دگرگونی در سنت ترجمه ایرانی طی اعصار گذشته به دست آوریم.

با چنین نگاهی به سنت ترجمه ایرانی، پژوهش حاضر بر ترجمه آیات، احادیث، ابیات و عبارات عربی به‌کاررفته در کتاب تمهیدات/عین‌القضات همدانی نظر خواهد انداخت؛ کتابی که آن را مهم‌ترین اثر این عارف بزرگ در عرفان محض دانسته‌اند. عین‌القضات در ارتباطی صمیمانه با مخاطب و با خلق سبکی مرسل در ده مقاله (یا ده «تمهید») یکی از پربارترین نوشته‌های اهل تصوف را در بیان حقایق عرفان و طریقت بازآفریده است. وی در این اثر آیات قرآنی، احادیث نبوی و گفتارهای عرفانی صوفیان پیش از خود را از دیدگاه صوفیانه خویش در تلفیق با اشعاری از خود و دیگران تفسیر و تأویل می‌کند. این درحالی است که این روشنفکر عادت‌ستیز مخاطبان خود را همواره به آشنایی زدایی و برگرفتن غبار عادت از مفاهیم و معارف عرفان دعوت کرده (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۲) و با جسارت و بی‌باکی تمام، اسرار را هویدا ساخته است.

استناد و استشهاد عین‌القضات به آیات قرآنی، احادیث نبوی و گفتار بزرگان تصوف در تمهیدات/عین‌القضات مشهود است که تقریباً صفحه‌ای را در این اثر نمی‌توان یافت که در آن عبارتی به زبان عربی یافت نشود. در نتیجه، طبعاً خواننده کنجکاو خواهد شد که بداند واکنش نویسنده در برابر این حجم وسیع از پاره‌کلام‌های عربی چیست و او اساساً برای تضمین درک و فهم خواننده چه کرده است؟ پژوهش‌های بسیاری تاکنون با رویکردهای نظری گوناگون درباره طرایف هنری، ادبی و فلسفی آثار عین‌القضات انجام گرفته است؛ اما چنین به نظر می‌رسد که یکی از ابعاد آفرینش فکری وی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به کنش «ترجمه» ارتباط می‌یابد، ناشناخته مانده است. در بسیاری از بخش‌های تمهیدات، ترجمه‌ای چنان نغز و استوار به عمل آمده است که نه تنها به فهم شفاف‌تر و بسطیافته‌تر معنای مورد نظر عین‌القضات انجامیده است، این ترجمه‌ها آینه تمام‌نمای پدیدآورنده خود نیز توانند بود.

عین‌القضات در تمهیدات/عین‌القضات در جایگاه یک «مترجم در سایه» عمل کرده است؛ این مهم را در متن مقاله نشان داده‌ایم.

^۱ یادآوری این نکته حائز اهمیت است که پیش از آن، کتاب دیگری در این حوزه با عنوان تاریخ ترجمه از زبان عربی به فارسی به قلم آذرتاش آذرنوش (۱۳۷۵) چاپ شده است. اما همان‌طور که از عنوان کتاب مشخص است، این کتاب تنها به تاریخ ترجمه از زبان عربی به فارسی و البته به‌صورت خاص بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از آغاز تا عصر پادشاهان صفوی پرداخته است و از این رو نمی‌توان آن را کتابی در حوزه تاریخ عمومی ترجمه در ایران قلمداد کرد. در عین حال، ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که وجه تمایز کار آذرنوش از کتاب آذرنگ پرداختن جزئی‌تر با طول و تفصیل بیشتر به کیفیت ترجمه‌های انجام‌شده به زبان فارسی، گزینش و معرفی نمونه‌هایی از آنها و ارائه تحلیل‌های مفصل متنی و فرامتنی است.

بدین منظور، از چارچوب نظری «تاریخ‌نگاری خُرد»^۱ (آدامو، ۲۰۰۶) الهام گرفته‌ایم. تلاش شده است از منظر مطالعات ترجمه و با تحلیل داده‌هایی از تمهیدات به چند پرسش اساسی، به شرح زیر، پاسخ داده شود:

(۱) عین‌القضات در مقام مترجم از کدام راهبردهای ترجمانی در تمهیدات بهره بیشتری برده است و این راهبردها چه نسبتی با یافته‌های دانش نوین مطالعات ترجمه دارند؟

(۲) آیا کردار ترجمانی عین‌القضات بر هنجارهای غالب بر ترجمه در زمانه او همخوانی داشته است یا خیر؟

(۳) حدود عاملیت اجتماعی و بینافرهنگی عین‌القضات در جایگاه مترجم چه بوده است؟

بدین ترتیب، این تحقیق هم از منظر کلان تاریخ ترجمه (و تاریخ ادبیات) در ایران با جلب توجه به صدای مترجمی که در غبار زمان محو شده است و هم در سطح خُرد، مهارت‌های این عارف را در نیل به کیفیتی مطلوب در ترجمه و نسبت راهبردهای ترجمانی او را با هنجارهای نگارشی غالب بر روزگار وی به بحث می‌گذارد.

انگیزه روش شناختی پژوهش پیش‌رو آن است که از دیدگاه تاریخ‌نگاری خُرد، تنها عدۀ اندکی از مترجمان [عهد قدیم] تجارب ترجمانی خود را به صورت آثار ثبت شده و قابل دسترس باقی گذاشته‌اند [یا به روشنی بر توسل به امر ترجمه اذعان داشته‌اند] و از این رو، گاهی لازم است در جایی به جز منابع مألوف و متعارف و آرشيوهای شناخته شده رد پای ترجمه را در دوران کهن پی گرفت (آدامو، ۲۰۰۶: ۹۲).

۲- پیشینه پژوهش

موضوع التقاط زبانی عربی در فارسی در کتاب‌ها و مقالات سبک‌شناسی از جمله در سبک‌شناسی بهار (۱۳۸۶) و سبک‌شناسی نثر شمیسا (۱۳۸۲) تحت عنوان «استشهاد به عبارات عربی» و به عنوان یکی از ویژگی‌های عمده در سبک‌های مختلف نثر فارسی به بحث گذاشته شده است؛ اما ظاهراً در هیچ‌یک از این کتاب‌ها، موضوع ترجمه عبارات عربی به کاررفته در آثار مثنوی فارسی بررسی نشده است (رحیمی زنگنه و کهریزی، ۱۳۹۱: ۱۵۷). همچنین تا جایی که نگارندگان این مقاله جست‌وجو کرده‌اند، تنها در یک اثر تحقیقی مستقل به ترجمه‌های عین‌القضات در تمهیدات و استخراج شیوه‌های ترجمانی وی اشاره شده است. این درحالی است که در منابع مختلف، مطالعات و تحلیل‌هایی درباره شیوه «تفسیر» و «تأویل» عین‌القضات در کتاب یادشده انجام گرفته است که به باور نویسندگان این مقاله به‌طور غیرمستقیم با کردار ترجمانی وی ارتباط دارند. این خلاء مطالعاتی محل تأمل است. پرسش آن است که: چرا این جنبه از شخصیت فکری و ادبی عین‌القضات تاکنون بازنموده نشده است؟^۲ بیشتر کسانی که درباره عین‌القضات سخن گفته‌اند، بر این باورند که وی در تمهیدات عموماً به تفسیر و تأویل روی آورده است؛ اما جز یک مورد، دیگران به کاربرد «ترجمه» در این اثر اشاره‌ای نکرده‌اند. به نظر می‌رسد آنچه در این میان مغفول مانده (یا بدیهی تلقی شده) آن است که اولاً تفسیر متن از زبان بیگانه از مجاری ترجمه می‌گذرد و ثانیاً ترجمه نیز به‌نوبه خود همواره از رهگذر تفسیر حاصل می‌شود. سروش می‌نویسد: «تمام ترجمه‌ها تفسیر به رأی‌اند. ترجمه اصولاً نوعی تفسیر است. ما دو نوع تفسیر داریم: تفسیر مختصر و تفسیر مفصل. ترجمه تفسیر مختصر است و تفسیر ترجمه مفصل» (سروش، به نقل از صلح‌جو، ۱۳۹۵: ۸). از این رو شاید بتوان گفت وجه ترجمانی آثاری از این دست گاه ناخواسته و از فرط وضوح نادیده انگاشته شده است. به هر روی، ترجمه از ملزومات تفسیر است و نمی‌توان مرز مشخص و قاطعی بین ترجمه و تفسیر قائل شد.

1. Microhistory

۲. همان‌طور که آدامو (۲۰۰۶: ۸۵) اشاره می‌کند، یکی از انگیزه‌های تاریخ‌نگاری خُرد آن است که معمولاً زوایای گوناگونی از ابعاد [شخصیتی، هنری، فکری یا علمی] بسیاری از نواع در طول تاریخ مغفول مانده است. آدامو از شخصیتی همچون گالیله یاد می‌کند.

گمانه‌زنی دیگر در مورد دلیل غفلت از هنر ترجمانی عین‌القضات جایگاه رفیع و ممتاز تألیف در مقایسه با ترجمه است که از دیرباز تا به امروز در ایران موضوعیت داشته است. بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات فارسی همچون *کلیله و دمنه*، *مرزبان‌نامه* و *یا تاریخ بلعمی* که در حقیقت از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه شده‌اند، به‌ندرت و به‌اکراه ترجمه قلمداد شده‌اند و این قطع نظر از ارزش‌های تألیفی آثاری از این دست، ممکن است ناشی از جایگاه نازل اجتماعی و هنری «مترجم» در مقام مقایسه با «مؤلف» باشد^۱. آدامو (۲۰۰۶: ۸۷) تصریح می‌کند که نیل به انسجام در تدوین تاریخ عملاً با به حاشیه‌بردن و منکوب کردن هر آن چیزی صورت می‌گیرد که با جهت‌گیری معین و غایت‌شناختی [غالب] همسویی نداشته است و اما تنها اثری که در آن کردار ترجمانی عین‌القضات در تمهیدات به بحث گذاشته شده است، تحقیق مدرسی و عرب (۱۳۹۰) و صورت بسط‌یافته تر آن به شکل کتاب (۱۳۹۳) است. نگارندگان در این پژوهش به بررسی شیوه بیان مطالب عرفانی و نحوه ارتباط عین‌القضات با مخاطب پرداخته‌اند. مدرسی و عرب پنج شیوه ترجمانی عین‌القضات را با ذکر مثال‌هایی از تمهیدات استخراج کرده که عبارت‌اند از: ۱) ترجمه کلی آیه یا حدیث بدون ذکر اصل عربی آن، ۲) ترجمه جمله پس از نقل اصل عربی آن، ۳) ترجمه همراه با توضیح و برداشت عرفانی، ۴) شکستن یک جمله به چند بخش و ذکر ترجمه هر بخش پس از آن و ۵) ترجمه منظوم ابیات عربی.

چیزی که نویسندگان از شیوه ترجمه در کارشان نام می‌برند، متفاوت است با آنچه در نظام اصطلاحی مطالعات ترجمه از آن یاد می‌کنیم. در مطالعات ترجمه تقدم و تأخر ترجمه نسبت به پاره‌کلام مبدأ یا مثلاً شکستن جمله و... در درجه دوم ارزش قرار دارد. آنچه از شیوه ترجمه در مطالعات ترجمه مدنظر است، راهبردهای کلان و خرد مترجم در نزدیکی به نظام مبدأ یا نظام مقصد، تصمیم‌گیری در باب انتقال محتوا یا بازسازی کارکرد-چه در سطح خرد چه در سطح کلان-، تعیین درجه آزادی در پابندی معنایی و نقشی به متن مبدأ، حرکت به سوی هنجارهای زبان و فرهنگ مقصد و نظایر آنهاست. مدرسی و عرب با ارائه این طبقه‌بندی، صرفاً در سطح توصیف چستی ترجمه عین‌القضات می‌مانند و از سطح چگونگی و مخصوصاً چرایی کردار ترجمانی وی چیزی به دست نمی‌دهند. تمایز مقاله حاضر از کار مدرسی و عرب، صرف نظر از تمرکز صرف آن بر وجه ترجمانی عین‌القضات در تمهیدات تلاش نگارندگان این مقاله در کاربرد فرازبان تخصصی مطالعات ترجمه، اتخاذ روش‌شناسی مشخص و تلفیق رویکردهای خرد و کلان با توسل به تحلیل‌های مقابله‌ای است.

۳- چهارچوب نظری

۳-۱- تاریخ‌نگاری خرد

تاریخ‌نگاری خرد یکی از نوآورانه‌ترین رویکردها به تاریخ، به‌خصوص تاریخ اجتماعی و فرهنگی و به‌طریق اولی تاریخ ادبیات است. یکی از مشهورترین تاریخ‌نگاران طرفدار تاریخ خرد، کارلو گینزبرگ است که به مطالعات کمی در مقیاس کلان می‌تازد و بر این باور است که مطالعات کمی کلان باعث مخدوش شدن واقعیت در سطح فردی می‌شود (گینزبرگ، ۱۹۷۶ به نقل از آدامو، ۲۰۰۶: ۸۲). این دسته از تاریخ‌نگاران مطالعه موارد حاشیه‌ای را به مطالعه جریان‌های کلی [یا جریان‌های بدنه اصلی] ترجیح می‌دهند. به سخن دیگر، محققان این حوزه به بررسی اسناد و آرشیوهایی که پیش‌تر مغفول مانده‌اند، علاقه‌مندند و یا با اهداف متفاوتی به مطالعه آن اسناد می‌پردازند (همان). یکی از علایق تاریخ‌نگاری خرد کشف صدای سوژه‌های حاشیه‌ای بر اساس داده‌های ظاهراً کم‌اهمیت و فراموش شده در میان انبوهی از آرشیوها و اسناد نظام‌مند است. تاریخ‌نگاری خرد از حیث

۱. آدامو، از هواداران تاریخ‌نگاری خرد در ترجمه، بر این باور است که پنهان ماندن متون ترجمه در غبار تاریخ بیش از آنکه ناشی از ناپیدایی مترجم (یا ترجمه)، به تعبیر مورد نظر ونوتی، باشد متأثر از غیرقابل تشخیص بودن ترجمه [مثلاً به دلیل نزدیکی کیفیت ترجمه به معیارهای تألیف در حد اعلای کلمه] بوده است (آدامو، ۲۰۰۶: ۸۹).

روش بر تقلیل و تحدید دامنه پژوهش تاریخی انگشت می‌گذارد و از این طریق تجارب منفرد و موردی و صداهایی را که از قرار معلوم در گذشته نامربوط به شمار می‌آمده‌اند، در کانون توجه قرار می‌دهد.

آنچه در تاریخ‌نگاری خُرد در باب «آگاهی تاریخی» مدنظر بوده آن است که معرفت تاریخی غالباً از مجرای صافی «ذهنیت» تاریخ‌نگار شکل گرفته است و اصل «عینیت» عموماً فدای انتخاب‌های سلیقه‌ای نگارندگان تاریخ شده است و اینک ما به بزنگاهی رسیده‌ایم که باید فرصت بازاندیشی در جزئیات تاریخ [اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری یا ادبی] را دریابیم. ریچارد رورتی می‌نویسد: «حقیقت، و بالاتر از همه، هر حقیقت به‌ظاهر تاریخی، تماماً وابسته به بافت است و از این رو، تاریخ‌نگار نباید حقیقت [مدنظر] خویش را بر دیگران تحمیل کند» (رورتی، ۱۹۹۱ به نقل از آدامو، ۲۰۰۶: ۸۳).

مروری کوتاه بر آثاری که در حوزه تاریخ‌نگاری ترجمه به رشته تحریر درآمده‌اند، مبین آن است که علایق اغلب تاریخ‌نگاران ترجمه چندان از دغدغه‌های تاریخ‌نگاری خُرد دور نبوده است. در واقع، تاریخ ترجمه عموماً کوشیده است تا سوژه‌ها و موضوعات فراموش شده و مسائلی را که با روایت‌های کلان تاریخ سستی بیگانه هستند، کشف و بازکشف کند. به‌طور کلی، اولین تعهد تاریخ ترجمه آن است که نقشی را که ترجمه در تاریخ فرهنگی ایفا کرده است، آشکار سازد؛ نقشی که اغلب نادیده انگاشته شده است؛ اما مسئله اینجاست که برای اثبات مفروضات از طریق شواهد مستند، معمولاً موضوعات پژوهشی برجسته در اولویت قرار گرفته‌اند و تأکید عمده معطوف به رویدادها، سوژه‌ها و موضوعات نمایان و کانونی بوده است. اینجاست که تاریخ ترجمه از دغدغه‌های تاریخ‌نگاری خُرد فاصله می‌گیرد و مسائل مهمی مانند شیوه‌ها و راهبردهای ترجمه و تجارب عملی مترجمان که در بررسی سیر تطور و تکامل ترجمه اهمیتی درخور دارند، به حاشیه رانده شده‌اند، دست کم گرفته شده‌اند یا به کلی مغفول مانده‌اند.

بدین ترتیب، تاریخ‌نگار خُرد حوزه مطالعات ترجمه به تعبیر آدامو (۲۰۰۶: ۸۸) به دنبال گفت‌وگو با گذشته به‌منظور روشنگری در «حال» است. شناخت پارادایم غالب در ادوار تاریخی ترجمه، نیازمند طرح پرسش‌های اساسی و تلاش برای پاسخ به آنهاست. تاریخ‌نگاری خُرد برای پاسخ به این پرسش‌های اساسی، برآیند موردکاوی‌های منفرد و پاره‌پاره در زوایای پنهان تاریخ را محاسبه می‌کند و یافته‌های این مطالعات موردی را به محک دستاوردهای دانش روز ترجمه می‌گذارد و این کار، هم‌چنانکه دُلست (۱۹۹۳: ۸۳ به نقل از آدامو، ۲۰۰۶: ۸۴) خاطر نشان ساخته است، نیازمند اکتفانکردن به ایفای نقش جانبی یک راوی صرف خواهد بود. تاریخ‌نگار ترجمه ناگزیر از اتخاذ رویکردی تحلیلی است و این به‌نوبه خود نیازمند آن است که از دریچه تخصصی دانش نوپای مطالعات ترجمه به موضوع بنگرد. آنتونی پیم (۱۹۹۸ به نقل از آدامو، ۲۰۰۶: ۸۵) یکی از اهداف نگارش تاریخ ترجمه را «بازخوانی گذشته از منظر موضوعات محوری روز [در حوزه مطالعات ترجمه]» قلمداد می‌کند. پس، تاریخ‌نگاران خُرد بر واحدهای تحلیلی کوچک تمرکز می‌کنند تا دریابند که مردم و مثلاً شخصیت‌های هنری و ادبی چگونه در این واحدهای کوچک زندگی، از جمله زندگی فکری، هنری و ادبی خود را پیش می‌برند. تاریخ‌نگاران خُرد بر این باورند که با محدودکردن دامنه مشاهده می‌توان کارکرد پیچیده روابط انسانی را در هر موقعیت اجتماعی بخصوص نشان داد. آنها به‌جای بررسی افراد و داده‌های عادی به بررسی افراد و داده‌های به‌ظاهر پرت^۱ و غیرعادی از جمله نوابغ می‌پردازند؛ یعنی کسانی که دنباله‌رو هموعان عادی یا پیرو صرف هنجارهای ادبی و هنری غالب بر زمانه خود نیستند.

۴- بحث و تحلیل داده‌ها

تمهیدات نیز همچون بسیاری از دیگر آثار نثر کلاسیک فارسی در زمره «متون التقاطی»^۲ قرار می‌گیرد. به‌ندرت می‌توان صفحه‌ای را در این کتاب سراغ گرفت که لفظی، عبارتی یا جمله‌ای به زبان عربی در آن به چشم نیاید. این التقاط زبانی که در

1. Outliners
2. Hybrid texts

قالب‌های متفاوت آیات قرآنی، احادیث و روایات، سخن بزرگان، و ابیات عربی در متن محقق شده است، به‌طور بالقوه فرصت مغتنمی را برای درک و شناخت عملکرد ترجمانی عین‌القضات فراهم می‌آورد.^۱

جدول (۱): بسامد وقوع مصادیق التقاط زبانی در تمهیدات

ردیف	نوع لفظ	فراوانی
۱	آیات قرآن	۴۹۲
۲	احادیث	۲۸۰
۳	روایات و سخن بزرگان	۱۵۵

برای نیل به اهداف تحقیق، ابتدا کلیه مصادیق التقاط زبانی در تمهیدات بررسی شد تا دریابیم که عین‌القضات در کدام موارد دست به کار ترجمه شده و در آن موارد، از چه راهبردهای ترجمانی بهره برده است. پس از ورود به مسئله دریافتیم که وی در همه موارد به شیوه‌ای واحد واکنش نشان نداده و برحسب «نوع متن»^۲، رفتار متفاوتی را در پیش گرفته است. بی‌مناسبت نخواهد بود اگر بر دیدگاه عین‌القضات در باب تأویل و مسئله ملازم آن یعنی ترجمه نگاهی گذرا بیفکنیم. گفتنی است عین‌القضات درباره تأویل نگرش خاصی داشته است. احتمال می‌رود «عین‌القضات قرن‌ها قبل از اندیشمندان هرمنوتیک مدرن به رابطه بنیادین بین خواننده و ساختار معنایی متن پی برده و در باب آنها سخن گفته است» (علوی مقدم و سعادت، ۱۳۸۹: ۷۴). او با آثار خود جایگاه متفاوتی را برای معنا و معنای معنا می‌آفریند تا جایی که «می‌توان گفت کل آثار عین‌القضات چیزی جز بسط و تبیین و تأویل مسئله معنا و ارتباطش با صورت نیست» (مدرسی و عرب، ۱۳۹۳: ۱۰۳). کمتر پژوهشگری را می‌توان یافت که به مباحث هرمنوتیکی و تأویل متنی آثار عین‌القضات بپردازد و به این بخش از سخن او اشاره نکند: «جانمردا! این شعرها را چون آینه دان! آخر دانی که آینه را صورتی نیست در خود؛ اما هرکه در او ننگه کند صورت خود تواند دید...» (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ۱، ۲۱۶). عین‌القضات خود تصریح کرده است که مشخصاً در تأویل و ترجمه کلام خداوند در تمهیدات تنها به معنای ظاهری بسنده نکرده و با استشهاد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) اذعان می‌دارد که ورای صورت آیات قرآن، معناها و تفاسیر بسیار است: «اما طالبان قرآن را در کتاب بدیشان نموده‌اند که «ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة ابطن» گفت: هرآیتی را از قرآن ظاهری است، و پس از ظاهر باطنی تا هفت باطن» (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۳). در نتیجه او برای معنا لایه‌های بسیار و بی‌نهایتی را در نظر می‌گیرد؛ چونان آینه‌ای در برابر آینه‌ای که سلسله بی‌انتهایی از بازتاب‌های تودرتو - معانی بی‌کران - را در وجود آورد.

در بحث ترجمه نیز نگرش عین‌القضات درخور تأمل است. او صورت را نارساتر از آن می‌داند که تنها از آن طریق بتوان به معنا رسید؛ از این رو برای رسیدن به جوهر معنای یک آیه، حدیث یا عبارت عربی از صورت ظاهر عبور می‌کند. برای مثال در تمهید هشتم در ضرورت خلقت انسان و قالب تن چنین می‌گوید:

(۱) «اگر دنیا و قالب ضرورت نبود، چرا مصطفی را بدان حال بازگذاشتندی که به دعا و تضرع گفتی: «لیت رب محمد لم یخلق محمداً؟» و یا ابوبکر گوید: «لیتنی کنت طیراً یطیر»، یا عمر گوید: «لیتنی کنت شجرة تعصد؟» دریغا این فریاد از دنیا و قالب برمی‌آید؛ و اگر نه این سخن را و این شکایت نبی و ولی را با حقیقت چه کار؟ معنی سخن این سه بزرگ، یعنی مصطفی و ابوبکر و عمر، آن است که کاشکی ما را در عالم فطرت و حقیقت بگذاشتندی و هرگز ما را به عالم خلقت نفرستاندی» (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۹۴).

۱. در این محاسبه آماری، وام‌واژه‌های دخیل از عربی و نیز تک‌واژه‌های عربی در نظر گرفته نشده‌اند و سطوح تحلیل بالاتری مدنظر نگارندگان بوده است.

۲. منظور «نوع متن» (text type) به تعبیر مورد نظر کاتارینا رایس (۱۹۷۱/۲۰۰۴) است.

نقل قول بالا مبین آن است که عین‌القضات علی‌القاعده در قید صورت نیست بلکه برعکس، اندیشمندی معناگراست؛ آن هم نه معنای گزاره‌ای^۱ و واژگانی (تحت‌اللفظی) بلکه معنای «منظورشناختی»^۲. در گزاره بالا، عین‌القضات از سه صورت متفاوت - سخن پیامبر^(ص)، ابوبکر و عمر - یک معنای منظورشناختی یکسان افاده کرده است. به سخن دیگر، از منظر معنی‌شناختی، عین‌القضات در پی توصیف «معنای جمله»^۳ (خارج از بافت کلامی و موقعیتی) نیست، بلکه درصدد تبیین «معنای پاره‌کلام»^۴ (با عنایت به قرائن بافتی) است. بنابراین عین‌القضات مترجمی «نقش‌گرا» یا «کارکردگرا»^۵ است که بر «نیت»، «منظور» و «کارکرد»^۶ آیه یا حدیث (که در حوزه ادبیات با عنوان «معنای باطنی» از آن یاد می‌شود) نظر دارد. در عین حال، اتخاذ چنین نگرشی از سوی عین‌القضات به معنای نفی قطعی «صورت» در نزد وی نیست. مدرسی و عرب تصریح می‌کنند که عین‌القضات «به صورت و الفاظ جایی می‌دهد در حد وسیله ابراز معنا با این تفاوت که معنا، ذاتاً ذومراتب است و به همین دلیل دارای صورت‌های ظهور گوناگون» (مدرسی و عرب، ۱۳۹۳: ۱۰۴). در این نوشتار، نشان خواهیم داد که صورت صرفاً نقطه عزیمت کار تحلیلی عین‌القضات در مقام ترجمه و تفسیر است؛ اما «منظور» و «مقصود» صورت است که غایت تحلیلی او را رقم می‌زند.

۴-۱- ترجمه آیات قرآن

نگاهی اجمالی به مصادیق التقاط زبانی در تمهیدات (جدول شماره ۱) حکایت از آن دارد که بیشترین اشارات عین‌القضات در این اثر ناظر بر آیات قرآن است. بهره‌گیری از این تعداد آیه - ۴۹۲ آیه بدون احتساب موارد تکراری - در نوع خود کم‌نظیر است. به کارگیری این تعداد آیه از سوی عین‌القضات به گونه‌های مختلف انجام گرفته است: بررسی و تفسیر آیه، استناد و استشهاد به آیه برای اثبات سخن خویش و یا نقل آیه به صورت ترکیب اضافی^۷ (مدرسی و عرب: ۱۳۹۰، ۹۹-۱۰۰). پس از بررسی آیات قرآنی، مشخص شد عموماً آیات به صراحت ترجمه نشده‌اند؛ گرچه عین‌القضات تلاش کرده است آنها را به شیواترین روش ممکن تفسیر کند یا توضیح دهد. در باب چرایی ترجمه نکردن آیات الهی در این اثر می‌توان دو گمانه مرتبط با یکدیگر را مطرح ساخت: نخست مسئله «مخاطب‌شناسی» عین‌القضات است. قرائنی در کتاب موجود است که نشان می‌دهد دوستان یا مریدانی که از او تقاضای نگارش کتاب را داشته‌اند از معنای گزاره‌ای (توصیفی و تحت‌اللفظی) آیات آگاه بوده‌اند و صرفاً در طلب فهم بهتر و عمیق‌تر بوده‌اند. برای نمونه او در ابتدای تمهید هفتم درصدد پاسخ‌گویی به پرسش مطرح‌شده مخاطبان در زمینه یک آیه و در تمهید دهم درباره سه آیه از قرآن کریم است:

(۲) ای عزیز گوش دار سؤال خود را که پرسیده‌ای که «و يسألونك عن الروح قل الروح من امر ربي» (عین‌القضات، ۱۳۴۲:

۱۴۱).

(۳) ای دوست دین و طالب کلمات حق‌الیقین، بدان که از سؤالات تو جواب خواهیم کردن: یکی «الله نور السماوات و

الارض»، و دیگر «اول ما خلق الله نوری» و سیم «المؤمن مرأه المؤمن» (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۵۴).

می‌توان احتمال داد عین‌القضات به سبب شناخت از این مخاطبان بالفعل گمان قریب به یقین می‌برده است که آنها نیازی به

1. Propositional meaning

2. Pragmatic meaning

3. Sentence meaning

4. Utterance meaning

5. Functionalist

6. Intention, purpose & function

۷. منظور از کاربرد آیه در یک «ترکیب اضافی» گونه‌ای از ترکیب است که در آن مشببه، آیه یا حدیث باشد مثل سه ترکیب اضافی مشخص شده در

جمله زیر: «قومی را هر لحظه در خرابات‌خانه^۸ فالمهما فجورها شربت قهر و کفر می‌دهند و قومی را در کعبه^۹ انا مدینه العلم و علی بابها شربت

«ابیت عند ربي» می‌دهند (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۲۰).

ترجمه آیات مورد نظر نداشته‌اند و از این رو، خود را از ترجمه به تعبیر عرفی آن بی‌نیاز احساس می‌کرده است. اگر چنین نبود، او خود را ملزم به ترجمه آیات می‌دانست. وی در متن *تمهیدات* به صراحت اشاره کرده است که: «عجمی زبان عربی فهم نکند الا به واسطه ترجمانی که هم عربیت داند و هم عجمیت^۱» (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۴۳). پس عین‌القضات از احوال مخاطب بالفعل خود آگاه است که به ترجمه آیات نیازی ندارد. به خاطر آوریم که در حوزه مطالعات ترجمه مترجم باید ملاحظه سه ویژگی مخاطب را پیش چشم دارد: کیستی مخاطب، نیاز مخاطب و انتظارات مخاطب.

گمانه دیگر در باب چرایی چشم‌پوشی عین‌القضات از ترجمه آیات را می‌توان تأسی به سنت ماقبل و نیز هنجار زمانه دانست. موضوع آن است که ترجمه متون مقدس که مطالعات ترجمه آنها را در زمره «متون حساسیت‌برانگیز»^۲ طبقه‌بندی می‌کند همواره در سایه‌ای از شبهات شرعی قرار داشته است. با آنکه ترجمه قرآن کریم یا به صورت ترجمه محض و یا در دل تفاسیر (به صورت ترجمه مزجی) حدود دو‌یست سال پیش از دوره حیات عین‌القضات پیشینه داشته است (رک به آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۶)، صنعت استشهاد به آیات قرآن و احادیث نبوی توأم با ترجمه آنها در نشر پارسی سنت همه‌گیر نبوده است و برخی از ادبا و نویسندگان هم‌عصر یا نزدیک به دوره زندگی عین‌القضات از آن پرهیز کرده‌اند.^۳ به سخن دیگر می‌توان احتمال داد پرهیز عین‌القضات از ترجمه آیات الهی متأثر از «همسویی با هنجار» ادبی و فرهنگی مورد توافق برخی از ادبای زمانه اوست.

نکته قابل‌درنگ آن است که عین‌القضات بر نوع متن (یا متونی) که می‌نگارد و ویژگی‌های ذاتی آنها اشراف دارد: او می‌داند که در متن تعلیمی کارکرد ترغیبی پیام بر کارکردهای دیگر غالب است. نیز در پیام‌های دارای زمینه تعلیمی، مخاطب از اهمیت شایانی برخوردار است. از این رو، وی تفهیم معنای آیه را بر مخاطب مسکوت نمی‌گذارد؛ چون انتقال پیام (و رفع مبهمات آن) در زمره اهداف عمده اوست. عین‌القضات آیات الهی را ترجمه نمی‌کند، اما در واکنش به آن خلاء، از ابزارها و راهبردهای جبرانی گوناگون بهره می‌گیرد و با توسل به شگردهای زبانی و ادبی از جمله توضیح، تمثیل، استشهاد به شعر، حدیث و سخن بزرگان یا از طریق مناسبات بینامتنی منظور آیه را در گفتمان ماقبل و مابعد به نحوی از انحاء منتقل می‌سازد تا بتواند نیاز به ترجمه فارسی آیات را به طور نسبی مرتفع سازد. اساساً روی آوردن عین‌القضات به نشر مرسل و ساده‌نویسی در نگارش این اثر نشان از آن دارد که او به جز مخاطبان بالفعلی که درخواست تألیف کتاب به او داده‌اند، مخاطبان بالقوه و خوانندگان آتی را نیز در نظر دارد. در نظریه هدف‌مندی ترجمه (نظریه اسکوپوس^۴)، عقیده بر آن است که ترجمه باید براساس کارکردهای متن مقصد، در موقعیت مقصد و برای کسی که کار را درخواست کرده انجام شود؛ این مخاطب خاص است که هدف ترجمه را تعیین می‌کند. باین حال، هم‌چنانکه پیم (۱۳۹۶/۱۹۹۷: ۷۸) خاطر نشان می‌سازد، «هنگامی از مخاطب صحبت می‌کنیم که بحث بر سر درخواست‌های ویژه باشد؛ در سایر موارد، مترجم «بر اساس هنجارهای معمول» کار می‌کند یعنی مخاطبی بالقوه و عام را مدنظر قرار می‌دهد. ظاهراً عین‌القضات نیز این هردو گروه مخاطبان بالقوه و بالفعل را در *تمهیدات* خود مدنظر داشته است؛ در مقدمه کتاب از «درخواست ویژه» شاگردان خود سخن گفته و در برخی بخش‌ها، مثلاً در گزاره زیر، بر نظرداشت مخاطبان بالقوه آینده تصریح کرده است:

«از خودی خود بیرون توانی آمدن تا آگاه این راز شوی و لایق شنیدن این کلمات شوی. دانم که گویی بلی اما با تو گفته‌ام که مخاطب تویی؛ اما مقصود مخاطبان غایبند که خواهند پس از ما آمد که فواید عجیب را در کتاب بدیشان خواهند

۱. از این جمله می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ملزومات ترجمه (یا یکی از ویژگی‌های اصلی مترجم واجد صلاحیت) نزد عین‌القضات تسلط کامل مترجم بر دو زبان مبدأ و مقصد است.

2. Sensitive texts

۳. برای نمونه می‌توان از واکنش ابوالفضل بیهقی به آیات قرآن یاد کرد که حتی یک مورد از آنها را از صافی ترجمه عبور نداده است.

4. Skopos Theory

نمود (تمهیدات، ۱۳۴۱: ۳۲۷). بی‌تردید آیات فراوانی را می‌توان در تمهیدات یافت که معنای باطنی‌شان از رهگذر شگردهایی چون توضیح، تمثیل، استشهاد به شعر و... رسانده شده است، اما باتوجه به محدودیت دایره کار تنها به ذکر یک مثال اکتفا می‌کنیم. جمله زیر نمونه‌ای است که عین‌القضات تلاش می‌کند آیه ترجمه‌نشده را با شیوه‌ای چون «ایضاح» قابل فهم گرداند:

(۵) جوانمردا قرآن را در چندین هزار حجاب به خلق فرستاند؛ اگر جلالت نقطه بای بسم الله عرش آمدی یا بر آسمان‌ها و زمین‌ها، در حال، پست و گداخته شدند. «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» همین معنی باشد (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۷۳).

۴-۲- ترجمه احادیث نبوی

پس از آیات قرآن، پرسامدترین گونه التقاط عربی در تمهیدات احادیثی است که عین‌القضات برای شرح و بسط معنای آنها و یا برای اثبات سخن و استدلال خود و گرفتن تأکید و تأیید از آنها بهره جسته است. باید بررسی شود واکنش عین‌القضات در مواجهه با این نوع (خرده) متن چه بوده است؟ عین‌القضات نزدیک به ۳۰ درصد احادیث را ترجمه کرده است؛ پس ما شاهد واکنش متفاوت وی در مقایسه با عکس‌العمل او در برابر آیات قرآنی هستیم. اکنون باید پرسید چرا عین‌القضات همه احادیث را از صافی ترجمه عبور نداده و آنها را به همان صورت اصل باقی گذاشته است؟ به سخن دیگر و از زاویه دیدی دیگر، اگر آن‌چنانکه آمار نشان می‌دهد، عموماً به ترجمه‌نکردن احادیث نبوی گرایش داشته است، چرا برخی از آنها را برخلاف رویه غالب خویش به پارسی برگردانده است؟ در پاسخ به این پرسش، نخست توجه به این نکته شایان اهمیت است که به نظر می‌رسد احادیث نبوی در تمهیدات واجد دو نقش یا دو کارکرد عمده هستند: یا حدیث خود مبنا و لنگرگاه تحلیل و تفسیر است و کارکردی اصلی یا بنیادین دارد یا آنکه مبنا و اساس استدلال نیست و صرفاً می‌توان نقشی کمکی^۱ برای آن در نظر گرفت؛ که در مورد اخیر، عین‌القضات با استشهاد و استناد به یک حدیث بخصوص، گفتمان استدلالی خویش را قوت می‌بخشد. با بررسی دقیق‌تر محتوای کتاب می‌توان دریافت که با عنایت به این دو کارکرد متمایز، شیوه برخورد عین‌القضات در مواجهه با این نوع التقاط زبانی نیز به تناسب، ولو به‌طور ناخودآگاه، متفاوت بوده است. او به‌جهت وقوف و آگاهی بر کنه سخن پیامبر اکرم (ص)، حدیث نبوی را آنجایی که مبنای تحلیل استدلالی اوست ترجمه می‌کند؛ اما جایی که نقشی کمکی از کاربرد حدیث در نظر دارد، از ترجمه چشم می‌پوشد و در عوض، به همان شیوه‌های جبرانی متوسل می‌شود که برای انتقال پیام مورد نظر آیات قرآنی به کار می‌برد؛ یعنی از رهگذر تمثیل، توضیح، استشهاد به شعر یا از طریق ارجاع به مناسبات بینامتنی در گفتمان ماقبل و مابعد تلاش می‌کند تا به‌طور توأمان، معنای گزاره‌ای و محتوای منظورشناختی سخن رسول خدا را به خواننده منتقل کند. نمونه‌های زیر را ملاحظه کنید:

(۶) مگر مصطفی از اینجا گفت: «ان الله یجرب المؤمنین بالبلاء كما یجرب احدکم الذهب بالنار» می‌گوید: هم‌چنانکه زر را آزمایش کنند به بوته آتش، مؤمن را هم‌چنین آزمایش کنند به بلا (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۴۴).

(۷) ای دوست نگر که مصطفی عذر مستان دیوانه چگونه بازخواسته است آنجا که گفت: «ان الله لایواخذ العشاق بما یصدر منهم» گفت: آنچه از عشاق در وجود آید بر ایشان نگیرند (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۳۸).

(۸) مگر که مصطفی - علیها السلام - از اینجا گفت که «ان العرش ینال جمیع ما خلق الله» یعنی عرش مجید، محیط جمله مخلوقات و موجودات آمده است (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۴۷)

(۹) اما مگر که این خیر نشنیده‌ای که «و لو کنت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر خلیلاً». اگر دوست گرفتمی ابوبکر را دوست گرفتمی، اما دوستی خدا مرا به آن نمی‌گذارد که بوبکر را دوست گیرم (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۳۹).

(۱۰) مصطفی - علیه السلام - می‌گوید که ملائکه گفتند: بارخدا یا بنی آدم را مسکن و وطن کردی که در دنیا می‌خورند و

می‌آشامند، چون دنیا نصیب ایشان کردی آخرت را سرای ما گردان «فاوحی الله - تعالی - الیهم: انی لافعل و لاجعل من خلقت بیدی کمن قلت له کن فکان» گفت: ای فریشتگان! آن کس که او را به ید قدرت خویش پدید کرده باشم؛ چنان نباشد که آن کس که گفته باشم: وجود او را که بباش آنگاه باشد (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۵۰-۱۵۱).

چنانکه در نمونه‌های بالا می‌بینید، عین‌القضات ابتدا عین سخن پیامبر را نقل می‌کند، سپس آن را از صافی ترجمه مبدأگرا می‌گذراند و به ساختار پارسی روان برمی‌گرداند. وی در جایگاه مترجم و در موقعیت نقل قول از پیامبر اکرم (ص)، وفاداری را در برگردان جمله به‌خوبی رعایت کرده است. منظور از وفاداری به متن عربی در اینجا انتقال لفظ به لفظ واژه‌های منفرد نیست، بلکه تولید پاره‌کلامی است در زبان پارسی که از نظر روانی، زیبایی و وضوح محتوایی با جمله عربی سخن پیامبر تا حد زیادی قابل‌قیاس است؛ به‌گونه‌ای که می‌توانیم آن را پاره‌متنی مستقل تلقی کنیم و در عین حال، به‌سادگی تناظری یک به یک بین اجزای جملات عربی و فارسی برقرار کنیم. گذشته از این، عین‌القضات با کاربرد نقش‌نماهای کلامی^۱ مانند «یعنی»، «گفت»، «می‌گوید» و ... ترجمه‌های مبدأگرای خویش را در تمهیدات متمایز می‌کند و از این حیث، با تعیین مرز بین تألیف و ترجمه، کار را برای تحلیل‌گر ترجمه آسان کرده است. کاربرد این راهبرد بر این نکته صحه می‌گذارد که عین‌القضات به دنبال نیل به معیار تعادل در ترجمه است و ترجمه‌های فارسی او ترجمه‌هایی تعادل‌مدار به مفهوم متعارف در حوزه مطالعات ترجمه است. طرفه آنکه، ترجمه‌های تعادل‌بنیاد وی در عین تناظر صوری، از معیارهای تعادل نقشی (منظورشناختی) نیز بهره می‌برند که این خود مبین حدّ بالایی از کیفیت در نیل به معیار تعادل است.

از منظر زبانی و زیبایی‌شناختی نیز ترجمه‌های عین‌القضات تأمل‌برانگیز است؛ میان ترجمه و تألیف در تمهیدات از نظر ساختار و واژگان تشابه نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، مدرسی ضمن بررسی ویژگی‌های زبانی عین‌القضات به ساختمان افعال به‌کاررفته در این اثر می‌پردازد. فعل‌هایی که در تمهیدات به کار رفته‌اند [از حیث ساختواژه^۲] بیشتر متعلق به دوره اول زبان فارسی است که «عبارت فعلی» یکی از آن صورت‌هاست (خانلری، به نقل از مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). بر اساس تعریف خانلری، عبارت فعلی به دسته‌ای از کلمات اطلاق می‌شود که بیش از دو کلمه بوده، دارای یک حرف اضافه باشد و مجموع عبارت، معنی مجازی داشته باشد؛ یعنی مفهوم صریح هیچ‌یک از اجزا مراد [مؤلف] نباشد (خانلری، ۱۳۷۴: ۲ و ۱۷۱). تعداد عبارات فعلی در تمهیدات قابل‌توجه است و نشان از تسلط عین‌القضات در ساخت چنین فعل‌هایی دارد (مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). نکته قابل‌تأمل آن است که این ویژگی را نه تنها در نثر تألیفی تمهیدات می‌توان دید، عین‌القضات با بهره‌جستن از ذخایر زبانی خویش این مشخصه را در ترجمه‌های خود نیز نمایان ساخته است. برای نمونه در گزاره شماره (۸)، معادل «در وجود آمدن» یک «عبارت فعلی» است که در ترجمه به‌جای فعل عربی «یصدر» نشسته است. از دیگر ویژگی‌های کاربرد فعل در متون کهن کاربرد پسوند «ی» در آخر افعال به‌جای پیشوند فعلی «می» بوده است که باز هم می‌توان این کاربرد را در آفرینش ترجمانی عین‌القضات بعینه مشاهده کرد؛ مثلاً در داده شماره (۱۰) در فعل «گرفتمی». او به ضرورت موازنه‌جویی و هم‌نوآوری عبارات، فعل «دوست گرفتمی» را در این ترجمه در عین پایبندی مکرر می‌کند تا به توازن موسیقایی دست یابد: «اگر دوست گرفتمی ابوبکر را دوست گرفتمی».

تشابه و هم‌سازی واژگان در ترجمه‌های عین‌القضات در سطح کهن‌گرایی نیز نمایان است. به گفته بهار، کاربرد صورت کهن برخی کلمات در تمهیدات آن را در زمره آثار دوره اول زبان فارسی قرار می‌دهد (بهار، به نقل از مدرسی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). برای مثال، واژه «فریشته» که صورت کهن کلمه «فرشته» است، در گزاره شماره (۱۱). این مشخصات حاکی از آن است که عین‌القضات سیاق معمول خود را در نثرنویسی فارسی در موقعیت ترجمه نیز فرو نگذارده است و ترجمه‌های او معیارهای نگارش تألیفی را نیز داراست. در نتیجه به‌دلیل تأسی عین‌القضات به این شیوه نگارشی، نثر فارسی او در سراسر کتاب کم‌وبیش یکدست است.

به نمونه‌ای دیگر از ترجمه احادیث نبوی که مصداق ترجمه تلفیقی (ترکیب ترجمه و تمثیل) است در تمهیدات توجه کنید:

(۱۱) از مصطفی -علیه‌السلام- بشنو «الناس علی ثلاثه اقسام: قسم یسبھون البھائم، و قسم یسبھون الملائکھ، و قسم یسبھون الانبیاء». گفت: بنی آدم سه قسم شده‌اند: بعضی مانند بهائم باشند، همه همت ایشان اکل و شرب بود و خواب و آسایش، «اولئک کالانعام بل هم اضل» این گروه باشند؛ و بعضی مانند فریشتگان باشند، همت ایشان تسبیح و تهلیل و نماز و روزه باشد، فریشته‌صفتان باشند؛ و بعضی مانند پیغامبران و شبه رسولان، همت ایشان عشق و محبت و شوق و رضا و تسلیم باشد.

۳-۴- ترجمه روایات و سخن بزرگان

قاضی همدان آموزه‌های وسیع و مبانی اندیشه‌های عرفانی صوفیانی چون منصور حلاج، بابزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر و ... را از رهگذر تأویل، تفسیر و ترجمه در تمهیدات به مخاطبانش رسانده است. رفتار ترجمانی عین‌القضات در این پاره‌متن‌ها به گونه‌ای دیگر جلوه کرده است: وی در واکنش به سخن بزرگان نزدیک به ۷۰ درصد آنها را از صافی زبان مقصد عبور داده و ترجمه کرده است. از مقایسه تفاوت بسامد ترجمه در این بخش با دو بخش پیش گفته چندین نتیجه به قرار زیر حاصل می‌شود.

به نظر می‌رسد هرچه درجه قدسی بودن^۱ پاره‌متن‌های عربی به‌کاررفته در تمهیدات بیشتر می‌شود، عین‌القضات بیشتر از ترجمه آنها گریزان می‌شود و این دقیقاً بر آنچه پیش‌تر گفتیم صحه می‌گذارد: عین‌القضات در مواجهه با مصداق گونه‌های متنی متفاوت به شیوه واحد واکنش نشان نمی‌دهد؛ بلکه برحسب «نوع متن»، رفتارهای ترجمانی متفاوتی را در پیش می‌گیرد. محاسبات آماری نشان می‌دهد تقریباً هیچ‌یک از آیات قرآن در تمهیدات ترجمه نشده، حدود ۳۰ درصد از احادیث نبوی به فارسی برگردانده شده و حال آنکه تقریباً ۷۰ درصد از سخنان بزرگان، خلفا و عرفا آشکارا از صافی ترجمه گذشته است. بدین ترتیب، با وام‌گیری واژگان تخصصی گیدئون توری، مبدع نظریه هنجارهای ترجمه^۲ (نک. به توری، ۱۹۹۵)، می‌توان گفت «نوع متن» بر «هنجارهای مقدماتی»^۳ ترجمه نزد عین‌القضات (یعنی در تصمیمات وی برای ترجمه‌کردن یا نکردن مصداق التقاط از زبان عربی) از یک سو و «هنجارهای عملیاتی»^۴ وی (یعنی انتخاب شیوه ترجمه) از سوی دیگر، اثرگذار بوده است. به تفصیل بیشتر شیوه عمل عین‌القضات را در برگردان سخن بزرگان از نظر می‌گذرانیم:

(۱۲) اگر چنانچه تمام‌تر خواهی از اخی بوالفرج زنگانی گوش دار آنجا که گفت: «العبودیه بغیر ربوبیه نقصان و زوال، و الربوبیه بغیر العبودیه محال» گفت: عبودیت بی ربوبیت، نقصان و زوال باشد؛ و ربوبیت بی عبودیت، محال باشد (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۷۵).

(۱۳) دریغا ندانم که از ابن عطا این کلمه شنیده‌ای یا نه که «ان الله یعامل العباد فی الابد علی ما عاملهم فی الازل»؟ گفت: در ابد با بندگان خود آن کند که در ازل کرده باشد (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۱۹۳).

(۱۴) از شیخ ابویزید شنو که از بشریت شکایت چون می‌کند آنجا که گفت: «البشریه ضد الربوبیه فمن احتجب بالبشریه فاتته الربوبیه» یعنی که ربوبیت با بشریت هرگز جمع نشود: و از وجود یکی، غیبت آن دیگر بود (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۹۸).

(۱۵) وقتی شیخ را پرسیدم که «ما الفریضه؟ فقال: الفریضه عندنا تصحیح العبودیه فی تحصیل الربوبیه، و السنه عندنا النظر الی الرسول المقبول و ترک ماسواهما». شنیدی که چه گفت: می‌گوید: فریضه با خدا بودن است، و سنت با رسول بودن، و پس از این جمله را ترک گفتن (عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۳۱۷).^۵

۱. منظور از امر قدسی در این نوشتار تعبیر عرفی آن است نه آن چیزی که در علم کلام مدنظر است.

2. Translation Norms

3. Preliminary norms

4. Operational norms

۵. معنای لفظ‌گرای عبارت عربی در گزاره ۱۵ اینگونه است: «فریضه برای ما تصحیح عبودیت در تحصیل ربوبیت است، و سنت برای ما نگرستن به رسول خدا که مورد قبول اوست و ترک هرچیزی جز این دو است» (توحیدی‌فر و ممتحن، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

۱۶) دعا کدام است که در سماع گفته می‌شود؟ این بیت‌ها بود که منصور حلاج نیز پیوسته گفتی:

أنت ام أنا هذا فـى الهین	حاشای حاشای من اثبات اثنین
هُوَيَه لك فـى لائتسى أبدا	كل على الكل تلبیس بوجهین
فاین ذاتک منى حیث كنت أرى	فقد تبین ذاتى حیث لأینى
وأین وجهک معقود بناظرتى	فى ناظرالقلب ام فى ناظرالعین
بینى و بینک أنیسى یزاحمنى	فارفع بأنک أنیسى من البین ^۱

هرکس معنی این بیت‌ها نداند، و خود فهم نکند. این معنی از کجا و فهم و ادراک از کجا؟ اما با این همه اگر می‌خواهی که شمه‌ای به پارسی گفته شود، گوش دار:

پرکن قدح باده و جانم بستان	مستم کن و از هر دو جهانم بستان
در هشیاری غمست و سودست و زیان	از دست غم و سود و زیانم بستان
با کفر و به اسلام بُدن ناچار است	خود را بنما و زین و آنم بستان

(عین‌القضات، ۱۳۴۲: ۲۵۱-۲۵۲).

نگاهی به داده‌های (۱۲) تا (۱۶) می‌بین آن است که عین‌القضات در برگردان اقوال و سخن بزرگان درجات آزادی به مراتب بیشتری را در مقام مقایسه با آیات قرآنی و احادیث نبوی برای خود قائل بوده است. در عین حال، بسیاری از ترجمه‌های او را در این گروه می‌توان در طیف ترجمه‌های مبدأگرا قرار داد. هرجایی پای نقل قول مستقیم از دیگری پیش آید، قاضی همدان از جایگاه مؤلف برمی‌خیزد و در مقام مترجم و به حکم «اخلاق ترجمه» خود را ملزم به بازنمایی آن عبارات می‌کند. ترجمه مبدأگرا ترجمه‌ای است که در آن عبارات عربی از رهگذر ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ، نزدیک در لفظ و در معنا، به فارسی برگردانده شده‌اند؛ به گونه‌ای که صرفاً به انتقال مضمون بسنده نشده است، بلکه گاه معانی تک‌تک واژه‌های عربی به‌دقت در قالب واژه‌ها و حتی ساخت‌های دستوری متناظر فارسی بازآفرینی شده‌اند. باین حال، این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که وقتی از مبدأگرایی در شیوه ترجمه عین‌القضات سخن می‌گوییم، الزاماً مراد ما صورت‌گرایی محض و ارائه ترجمه‌های لفظ به لفظ نیست، بلکه مقصود عمدتاً مبدأگرایی معنایی است؛ مثلاً در گزاره (۱۳) برخلاف گزاره (۱۲) که مترجم عیناً ترتیب تقدّم و تأخّر صوری عناصر جمله را در متن مقصد تکرار می‌کند، این آرایش کلام را به تناسب هنجارهای دستوری زبان فارسی برهم می‌ریزد و در انجام این کار، از ایجاد موسیقی درونی جمله و بازسازی بیان مسجع نیز غافل نمی‌ماند. این سخن بدان معناست که حتی مبدأگرایی عین‌القضات را می‌توان واجد درجاتی از آزادی بیان بر روی یک پیوستار نسبی تلقی کرد. نمونه‌های بسیاری را می‌توان از ترجمه‌های عین‌القضات در تمهیدات به دست داد که مترجم در آنها مبدأگرایی را با مقصدگرایی تلفیق کرده است.

یکی از این نمونه‌ها را در داده (۱۴) ملاحظه می‌کنید. در این داده، مترجم ضمن آنکه پیام مبدأ را در حدّ بالایی از شیوایی کلام به فارسی برمی‌گرداند، حدّ قابل‌ملاحظه‌ای از عاملیت بینافرهنگی خود را نیز به منصّه ظهور می‌رساند. اولاً، در برگردان

۱. ترجمه لفظ‌گرای اشعار عربی:

- آیا تو یا من، اینها دو خدا هستند؟ هرگز هرگز! من درصدد اثبات دو خدا نیستم.

- تو همیشه در من حضور داری و من و تو دو کل هستیم که درهم آمیخته‌ایم.

- پس ذات تو در کجای من است وقتی می‌بینم ذات تو جایی آشکار می‌شود که خبری از من نباشد.

- و چهره‌ات کجاست؟ آیا مقابل دیدگان قلب من است و آیا مقابل چشم‌انم؟

- میان من و تو، «من» من حجاب شده پس این حجاب را بردار تا فاصله میان ما از بین برود. (توحیدی فر و ممتحن، ۱۹۷: ۱۳۹۴-۱۹۸).

جمله نخست ایده محتوایی سخن بایزید را در ذهن خود حل‌جی می‌کند و مفهوم «ضدیت» را که در کنه آن محتواست مناسب زبان و فرهنگ فارسی نمی‌بیند و از رهگذر راهبردی که در حوزه مطالعات ترجمه با عنوان «حسن تعبیر» یا «به‌گویی»^۱ از آن یاد می‌شود، معنای ضمنی^۲ «تقابل» را خنثی می‌کند؛ دیگر آنکه، در برگردان جمله دوم، مترجم برخلاف پاره‌کلام مبدأ، زاویه دید^۳ را تغییر داده و جهت جمله را از گزاره‌ای تک‌وجهی به گزاره‌ای دوجوهی ارتقا بخشیده است که این هردو راهبرد مصداق بارز حرکت به سمت ترجمه آزاد^۴ است.

مقایسه ترجمه عین‌القضات در داده (۱۵) با ترجمه لفظ‌گرای جمله در پانویس شماره (۳۲) ما را به ترجمه آزادتری رهنمون می‌شود. در این نمونه، پاره‌کلام مبدأ نوعی «ترجمه تلخیصی»^۵ است که از طول و تفصیل پاره‌کلام مبدأ چشم پوشیده و به انتقال «لب پیام»^۶ بسنده کرده است. این داده نشان می‌دهد عین‌القضات در مقام مترجم الزاماً درصدد نیل به تعادل به تعبیر سنتی کلمه نیست، بلکه در عمل از آن فراتر می‌رود و دستیابی به تعادل کارکردی (منظورشناختی) را هدف می‌گیرد.

مقایسه گزاره (۱۶) با ترجمه لفظ‌گرای آن در پانویس شماره (۳۳) مبین حد نهایی ترجمه آزاد است که در حوزه مطالعات ترجمه با عنوان «اقتباس» از آن یاد می‌شود (نک. به شاتل‌ورث و کوی، ۱۹۹۷: ۳). مترجم به‌وضوح بر دشواری درک معنای کامل شعر حلاج از سوی خواننده صحه می‌گذارد و از این‌رو بار دیگر ترجیح می‌دهد «لب پیام» یا «مضمون کلی» پاره‌کلام مبدأ (یا به‌گفته خود او، «شمه‌ای» از آن معنا) را به خواننده منتقل کند؛ راهبردی که دیگر ربطی به ترجمه ندارد و از رابطه تعادلی فاصله می‌گیرد. مترجم این بار در عوض ترجمه شعر مبدأ، شعر متناظری را از زبان فارسی اقتباس و در همان حال و هوا در متن کتاب جایگزین می‌کند.

۵- نتیجه

برای جمع‌بندی یافته‌های پژوهش، به پرسش‌های پژوهشی پیش‌گفته پاسخ داده می‌شود. در پاسخ به پرسش نخست مقاله مبنی بر «انواع راهبردهای ترجمانی عین‌القضات» و «نسبت آنها با یافته‌های دانش نوین مطالعات ترجمه»، ابتدا به دیدگاه کلی عین‌القضات در باب تأویل و سپس مسئله ملازم آن یعنی ترجمه نظر افکنده شد. آنچه مشخص است کل آثار عین‌القضات چیزی جز تبیین و تأویل معنا در ارتباطی مستقیم یا غیرمستقیم با صورت نیست. عین‌القضات برای معنا خصوصاً معنای باطنی قرآن لایه‌های بسیار و بی‌نهایتی را در نظر می‌گیرد و از آنجاکه به هر دلیل از ترجمه قرآن اکراه دارد، در مقام تفسیر، به راهبردهای جبرانی متوسل می‌شود. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که وی در برگردان پاره‌متن‌های عربی الزاماً در پی دستیابی به «تطابق یا تناظر صوری» نیست، بلکه نیل به تعادل کارکردی (یا منظورشناختی) را نیز غالباً مدنظر داشته است. این سطح از برگردان، از رهگذر ترجمه‌های تهی^۷ (به‌علاوه راهبردهای جبرانی معطوف به آنها)، تفسیری، آزاد و بیش از همه مبدأگرا محقق شده است.

عین‌القضات در مواجهه با مصداق‌های التقاط زبانی - که در قالب‌های متفاوت آیات قرآنی، احادیث، روایات و سخن بزرگان در متن نمایان شده است - به شیوه واحد واکنش نشان نمی‌دهد؛ بلکه برحسب «نوع متن»، رفتارهای ترجمانی متفاوتی را در پیش می‌گیرد. به‌گونه‌ای که اگر (پاره)متن‌های موجود در تمهیدات را بر پیوستاری نسبی و مدرج در نظر بگیریم، به اقتضای

1. Euphemism
2. Connotation
3. Perspective
4. Free translation
5. Summary translation
6. Gist of message
7. Zero translation

درجه تقدس متن مبدأ با روحیه ترجمانی محافظه‌کارتری روبه‌رو می‌شویم که در واکنش به آیات الهی با ترجمه تهی مواجهیم؛ در مورد احادیث نبوی با عنایت به دو کارکرد متمایز سخنان پیامبر اکرم (ص) دو رفتار ترجمانی متمایز را شاهدیم: آنجا که حدیث نبوی مبنای تحلیل استدلالی عین‌القضات است، با ترجمه‌های عموماً مبدأگرا (و به‌ندرت آزاد) مواجه می‌شویم؛ اما هرجایی که نقشی کمکی از کاربرد حدیث در نظر بوده است، قاضی همدان از ترجمه چشم می‌پوشد و برای انتقال پیام بار دیگر به راهبردهای جبرانی متوسل می‌شود؛ اما در ترجمه سخن بزرگان تقریباً ۷۰ درصد آنها را به شیوه‌های ترجمانی گوناگون بر پیوستاری نسبی از حد نهایی مبدأگرایی و تناظر صوری تا حد غایی ترجمه آزاد (اقتباس) به فارسی برمی‌گرداند.

نکته شایان‌ذکر آن که اتخاذ راهبردهای ترجمانی متفاوت از سوی عین‌القضات به‌گونه‌ای بر پاره‌ای از یافته‌ها و توصیه‌های دانش نوین مطالعات ترجمه و به‌طور مشخص نظریه «نوع متن» کاتارینا رایس (رایس، ۲۰۰۴/۱۹۷۱) انطباق دارد؛ با این تفاوت که رایس بر وجود نوعی تناظر یک به یک بین نوع متن و روش ترجمه تأکید دارد و از این حیث مکرراً مورد انتقاد قرار گرفته است؛ اما عین‌القضات بر تکرر روش ترجمه^۱ - مشخصاً در برگردان متون معمولی - صحنه می‌گذارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت «نوع متن» بر «هنجارهای مقدماتی» و در موقعیت برگردان متون عادی بر «هنجارهای عملیاتی» ترجمه نزد عین‌القضات اثرگذار بوده است. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که قاضی همدان، آن‌چنانکه خود بارها تصریح می‌کند، با ملاحظه مخاطبان بالقوه و بالفعل کتاب روش ترجمانی مناسب را اتخاذ کرده است؛ نکته‌ای که نایدا (۱۹۶۴) و ترجمه‌شناسان نقش‌گرا قرن‌ها بعد بر آن صحنه می‌گذارند: اهمیت همیشگی «مخاطب» مشتمل بر «کیستی او»، «نیازهای (ارتباطی) وی» و «انتظارات زبانی، زیبایی‌شناختی و معرفت‌شناختی او».

در پاسخ به پرسش دوم مقاله مبنی بر اینکه «آیا کردار ترجمانی عین‌القضات بر هنجارهای غالب بر ترجمه در زمانه او همخوانی داشته است یا خیر» باید اذعان داشت که اولاً پرهیز عین‌القضات از ترجمه آیات الهی متأثر از «همسویی با هنجار» ادبی و فرهنگی مرسوم و مقبول برخی از ادبای زمانه اوست. ترجمه متون مقدس که مطالعات ترجمه آنها را در زمره «متون حساسیت برانگیز» طبقه‌بندی می‌کند، همواره در سایه‌ای از شبهات شرعی قرار داشته و صنعت استشهاد به آیات قرآن و احادیث نبوی توأم با ترجمه آنها در نثر پارسی سنت همه‌گیری نبوده است و برخی از ادبا و نویسندگان هم‌عصر یا نزدیک به دوره زندگی عین‌القضات از آن پرهیز کرده‌اند. در ثانی، شیوه ترجمه عین‌القضات نیز که عمدتاً (با هدف پاسخ به نیاز مشخص مخاطب مشخص وی و نیز به تصریح خود مترجم، پیش‌بینی نیاز مشابه در مخاطب عام آینده) توأم با ساده‌نویسی و پیروی از نثر مرسل بوده است، در بدو امر یادآور شیوه ترجمه‌ای است که در آثاری همچون *سیاست‌نامه* و *قابوس‌نامه* دیده می‌شود و می‌توان آنها را «دنباله [سبک] ترجمه دوران سامانی» (نک. رحیمی زنگنه و کهریزی، ۱۳۹۱: ۱۰) تلقی کرد. از آنجاکه کتب صوفیه از جمله *کشف‌المحجوب*، *تذکره‌الولیاء* و *اسرارالتوحید* (که متأخر از *تمهیدات* هستند) و نیز آنچه به شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر منسوب است - یعنی آثار متقدم بر *تمهیدات* - از لحاظ سبک در شمار شیوه پیروان دوره سامانی قرار می‌گیرند که سعی در سادگی بیان داشته‌اند و اثر تصنیعات و تکلفات منشایانه قرن پنجم و ششم در آنها هویدا نیست؛ چون روی خطاب این نوشته‌ها عموماً با عوام و دراویش بوده است (همان: ۶)؛ بنابراین می‌توان شیوه نگارش تألیفی و ترجمانی عین‌القضات را نیز غالباً تأسی به همین هنجار متعارف تلقی کرد.

اما در پاسخ به پرسش آخر پژوهش که «حدود عاملیت اجتماعی و بینا فرهنگی عین‌القضات را در جایگاه مترجم» مدنظر داشته است، می‌توان گفت عین‌القضات برخلاف مولانا که با اعمال عاملیت خویش گاه پیام الهی و کلام نبوی را حتی در قالب ترجمه آزاد به فارسی برمی‌گرداند (نک. فرهادی و خان‌جان، ۱۳۹۶)؛ آن‌چنانکه که از قرائن برمی‌آید، این حد از اقتدار معنوی و جایگاه فکری و فرهنگی را برای خود قائل نیست. شاید به‌دلیل سن اندک وی در زمان نگارش *تمهیدات* و یا

تواضع و فروتنی معمول عرفا، از این روست که بسامد وقوع ترجمه آزاد و مضمونی در تمهیدات به مراتب کمتر از ترجمه‌های مبدأگرا بوده است. با این وصف، هم‌چنانکه در تحلیل داده‌ها نشان داده شد، «تکثر روش ترجمه» در تمهیدات و «تلفیق (تقریباً همیشگی) مبدأمداری و مقصدگرایی» در کردار ترجمانی وی را می‌توان مصداق اعمال عاملیت بینافرهنگی او تلقی کرد. در عین حال می‌توان این گمانه را مطرح ساخت که حدود عاملیت اجتماعی وی کمتر از عاملیت بینافرهنگی او بوده است. قرائن امر حاکی از آن است که عین‌القضات می‌خواسته است که از گزند انتقادات مذهبی و اجتماعی معطوف به اندیشمندان نواندیش در امان بماند تا آنجایی که در سیاهه آثار خود در شکوی الغریب هیچ اشاره‌ای به تمهیدات نمی‌کند و ظاهراً ترجیح می‌داده است که «آن را ترجمه دیگران اعلام کند تا نزد حکام بغداد مسئولیتی کمتر داشته باشد» (مدرسی و عرب، ۱۳۹۳: ۲۵). شاید حتی بتوان این گمانه را نیز مطرح کرد که حدود عاملیت بینافرهنگی عین‌القضات خود تابعی از محدودیت‌های وی در اعمال عاملیت اجتماعی خویش بوده است. او که می‌بیند از نظر سیاسی آماج حمله همیشگی منتقدان متحجر زمانه است، ناگزیر در اعمال عاملیت فرهنگی خود رفتاری محافظه‌کارانه در پیش می‌گیرد تا حدی که در واکنش به آیات قرآن کریم، تقریباً به‌تمامی از ترجمه آنها چشم می‌پوشد.

سرانجام و دوباره به موضوع «قرابت سبک نگارش تألیفی و ترجمه‌ای» عین‌القضات بازگردیم. آن‌چنانکه از تحلیل داده‌های تحقیق برمی‌آید، عین‌القضات اساساً تمایزی بین معیارهای نگارش تألیفی و ترجمانی خویش قائل نیست. از این رو ترجمه‌های او را - باید مصداق «ترجمه خلاق» و حداکثری دانست؛ ترجمه‌ای که «متنی تألیفی به نظر می‌آید و ارزش تألیفی دارد، زبان فارسی را بر وفق هنجارهای آن بسط می‌دهد و عناصر غیرفارسی را چنان در خود هضم می‌کند که فارسی جلوه می‌کند» (خزاعی‌فر، ۱۳۹۶: ۴). به باور سبک‌شناسان، در نثر شاعرانه تمهیدات کلمات در منتهای شیوایی و جذابیت ترکیب شده‌اند. ترجمه‌های عین‌القضات نیز به همین سیاق متونی نشان‌دار (غیرعادی) نیستند، در سطح زبان متوقف نمی‌مانند و به ادبیت راه می‌برند؛ به‌گونه‌ای که کمتر کسی ممکن است گمان ترجمه بودن آنها را حتی به ذهن خود خطور دهد. این امر بر هنر این شهید در عشق فانی صحه می‌گذارد که «بر قلم آیا چه می‌گذشت که هر سطر، صاعقه سبز آسمان جنون بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۷: ۶۰).

منابع

۱. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۷۵). تاریخ ترجمه از زبان عربی به فارسی: از آغاز تا عصر صفوی، تهران: انتشارات سروش.
۲. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۴). تاریخ ترجمه در ایران: از دوران باستان تا پایان عصر قاجار، تهران: ققنوس.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). سبک‌شناسی نثر فارسی، ۳ جلدی. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۴. پیم، آنتونی (۱۳۹۶/۱۹۹۷). اصول اخلاقی مترجم، ترجمه زهرا فلاح شاهرودی و فرزانه معمار: تهران: نشر مرکز.
۵. توحیدی‌فر، نجس و مهدی ممتحن (۱۳۹۴). خوانشی از تمهیدات عین‌القضات همدانی، تهران: انتشارات شفیع.
۶. حسنی، نرگس (۱۳۸۶). «عادت‌سنجی در آثار عین‌القضات همدانی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۶ و ۱۷، شماره ۶۱ و ۶۲: ۷۱-۱۰۰.
۷. خان‌جان، علیرضا (۱۳۹۴). «ماریا تیموژکو و بسط حوزه مطالعات ترجمه»، فصلنامه مترجم، سال بیست و چهارم، شماره ۵۸: ۱۴۰-۱۲۷.
۸. خزاعی‌فر، علی (۱۳۹۶)، «چهار نوع ترجمه»، فصلنامه مترجم، شماره ۶۱: ۳-۱۱.
۹. رحیمی زنگنه، ابراهیم و خلیل کهریزی (۱۳۹۱)، «بررسی تفاوت ترجمه عبارات عربی در سه دوره از سبک‌های مختلف نثر فارسی»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۵، شماره ۴ (پی در پی ۱۸): ۱۶۹-۱۵۵.
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۷)، بوی جوی مولیان، چاپ دوم، تهران، توس.

۱۱. شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی نشر، چاپ هفتم، تهران، میترا.
۱۲. صلح‌جو، علی (۱۳۹۵)، از گوشه و کنار ترجمه، تهران، مرکز.
۱۳. علوی مقدم، مهیار و سحر سعادت (۱۳۸۹)، «نقد و تحلیل نگرش هرمنوتیکی عین‌القضات همدانی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۷، سال ۷: ۵۹-۷۶.
۱۴. عین‌القضات همدانی (۱۳۴۲). تمهیدات، تصحیح عقیق عسیران، چاپ دوم، تهران: انتشارات منوچهری.
۱۵. _____ (۱۳۷۷). نامه‌ها، ۳ جلد، تصحیح علینقی منزوی، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۶. فرهادی، سمانه و علیرضا خان‌جان (۱۳۹۴). «سعدی مترجم در گلستان ادب پارسی»، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، شماره چهارم سال ۹۴: ۷۷-۵۳.
۱۷. _____ (۱۳۹۶). «دانه معنی بگیرد مرد عقل: مولانای مترجم در فیه ما فیه»، سخنرانی ایرادشده در سومین همایش متن‌پژوهی ادبی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. گنتزler، ادوین (۱۳۸۰). نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر، ترجمه علی صلح‌جو، تهران: هرمس.
۱۹. مدرسی، فاطمه و مریم عرب (۱۳۹۰). «سبک نگارش تمهیدات عین‌القضات همدانی بر پایه احوال مخاطب»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی، شماره اول سال چهارم، بهار ۹۰: ۳۷۵-۴۰۰.
۲۰. مدرسی، فاطمه و مریم عرب (۱۳۹۳). کعبه دل: زبان صوفیانه عین‌القضات در تمهیدات، تهران: نشر چاپار.
21. Adamo, Sergia (2006). Microhistory of translation, in Bastin & Bandia (eds.) (2006). *Charting the Future of Translation History*, (pp. 81-100). Ottawa: University of Ottawa Press.
22. Bassnett, Susan (1980/1991). *Translation Studies*. London: Routledge.
23. D'huslt, Lieven (1993). Observations sur l'expression figure en traductologie française, *TTR*, 6(1), p. 83-111.
24. Ginzburg, Carlo (1976). *Il formaggio e i vermi. Il cosmo di un mugnaio del Cinquecento*. Torino: Einaudi.
25. Hatim, Basil & Jeremy Munday (2004). *Translation: An Advanced Resource Book*, Oxon & New York: Routledge.
26. House, Juliane (2012). "Translation Quality Assessment: Linguistic Description versus Social Evaluation", *Meta*, 46(2), p. 243-257.
27. Kade, Otto (1968), *Zufall und Gesetzmässigkeit in der Übersetzung*, Leipzig: VEB Verlag Enzyklopadie.
28. Newmark, Peter (1997), "The customer as king", *Current Issues in Language and Society*, 4(1), p. 75-77.
29. Nida, Eugene (1964). *Toward a Science of Translating: With Special Reference to Principles and Procedures Involved in Bible Translating*. Leiden: E.J. Brill.
30. Nord, Christiane (1991). *Text Analysis in Translation*. Amsterdam: Rodopi.
31. Reiß, Katharina (1971/2004). *Translation Criticism – The Potentials & Limitations*. Translated by Erroll F. Rhodes. New York: Routledge.
32. Rorty, Richard. (1991). *Contingency, Irony and Solidarity*. Cambridge: Cambridge University Press.
33. Shuttleworth, Mark & Moira Cowie (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Oxon & New York: Routledge.
34. St-Pierre, Paul (1993), Présentation. L'Histoire en traduction, in Paul St-Pierre (ed.). *L'Histoire en traduction*, *TTR*, 6(1), p. 9-14.
35. Toury, Gideon (1995). *Descriptive Translation Studies – and beyond*. Amsterdam: John Benjamins.